

و حضرت رسول ص و امیر المؤمنین ع و رفقار ایشان با کفار و منافقین از مردمان دوزخند
 تا و سلطنت و شکایت و هدایت نمودن ایشان را و در او چند نور است نور اول
 در اول رجعت است از عقل و نقل از آیات و روایات و تقرات زیارات
 و دعوات بدانکه واجب است اعتقاد نمودن بر رجعت آل محمد ص بدینا قبل از قیامت
 کبری و این از جمله اصول مذمب اثنی عشریه است و منکر این اعتقادند مذمب
 جعفری علیه السلام حاج است چنانچه جماعتی از اهل سنت و جماعت از امت
 حضرت رسالت مکر رجعت میباشند این اعتقاد بر رجعت از جمله خاص خاص
 خاص انخاص شیعه اثنی عشریه است مثل حلیت منته و طریقه وضو و عدم جواز مس بر
 خطین اختیار آوردن باز نماز کردن و قنوت خواندن و حج تمتع بجا آوردن و حول
 و تعصب در میراث کردن و بر خاک سجده نمودن و غیر اینها از خصایص ایشان و
 از آن نقلیه بر ثبوت رجعت اجمالا بسیار است و عقل هم اتمامی از این ندارد که
 جمیع از مردگان خداوند عالمیان بجهت مصاحیح چند در دنیا زنده نمایند تا آنکه و عدالت
 او بجا بیاید و تا آنکه فضایل جمعی معلوم و محقق شود و تا آنکه قصاص با فرست نیفتد و تا آنکه
 متعاقب اشخاص چند از دنیا بگذرد که در دنیا قبل از او محروم و خوار بودند و تا آنکه
 کسانیکه بکفر و شرک و منافق اند از ذات از دنیا بروند و مردان خدا را منکوب و منقاد
 و محروم نمودند با ایشان تلاقیها شود و آنکه تطابق میان این امت محروم و سایر امتها
 واقع شود چنانچه خداوند جماعتی از سابقین را با تفاق شیعہ و سنی و یهود و نصاری

رسالت و دعوتی است که در این دنیا
 رسالت و دعوتی است که در این دنیا
 رسالت و دعوتی است که در این دنیا
 رسالت و دعوتی است که در این دنیا

و حضرت رسول ص و امیر المؤمنین ع و رفقار ایشان با کفار و منافقین از مردمان دوزخند
 تا و سلطنت و شکایت و هدایت نمودن ایشان را و در او چند نور است نور اول
 در اول رجعت است از عقل و نقل از آیات و روایات و تقرات زیارات
 و دعوات بدانکه واجب است اعتقاد نمودن بر رجعت آل محمد ص بدینا قبل از قیامت
 کبری و این از جمله اصول مذمب اثنی عشریه است و منکر این اعتقادند مذمب
 جعفری علیه السلام حاج است چنانچه جماعتی از اهل سنت و جماعت از امت
 حضرت رسالت مکر رجعت میباشند این اعتقاد بر رجعت از جمله خاص خاص
 خاص انخاص شیعه اثنی عشریه است مثل حلیت منته و طریقه وضو و عدم جواز مس بر
 خطین اختیار آوردن باز نماز کردن و قنوت خواندن و حج تمتع بجا آوردن و حول
 و تعصب در میراث کردن و بر خاک سجده نمودن و غیر اینها از خصایص ایشان و
 از آن نقلیه بر ثبوت رجعت اجمالا بسیار است و عقل هم اتمامی از این ندارد که
 جمیع از مردگان خداوند عالمیان بجهت مصاحیح چند در دنیا زنده نمایند تا آنکه و عدالت
 او بجا بیاید و تا آنکه فضایل جمعی معلوم و محقق شود و تا آنکه قصاص با فرست نیفتد و تا آنکه
 متعاقب اشخاص چند از دنیا بگذرد که در دنیا قبل از او محروم و خوار بودند و تا آنکه
 کسانیکه بکفر و شرک و منافق اند از ذات از دنیا بروند و مردان خدا را منکوب و منقاد
 و محروم نمودند با ایشان تلاقیها شود و آنکه تطابق میان این امت محروم و سایر امتها
 واقع شود چنانچه خداوند جماعتی از سابقین را با تفاق شیعہ و سنی و یهود و نصاری

رسالت و دعوتی است که در این دنیا
 رسالت و دعوتی است که در این دنیا
 رسالت و دعوتی است که در این دنیا
 رسالت و دعوتی است که در این دنیا

و بعد از مردن ایشان آنها را بدنیار کرده اند و صبحی از ایشان در دنیا زندگانی
 نمودند و آنها بسیار ند چنانچه خداوند عالمان در قرآن مجید و فرقان حمید حکایات
 ایشان را از برای حضرت پیغمبر آخر از زمان بیان مسیحه مایه منها آیه مبارکه قبعثنا
 کم بعد موتکم اهلکم لشکرهون است و قضیه او این است چون که حضرت موسی تورا
 را از برای بنی اسرائیل آورد و گفت خدا با من در کوه طور تکلم مینماید و مرا کلیم خود قرار
 داده است قوم او از او در خواست نمودند که ما را با خود ببرد تا ملاحظه کنان آیه
 نمائیم پس موسی لا علاجا هفتا و تفر از بزرگان و علماء و صلحاء و مقدسین و فقهاء
 و مؤمنین از قوم خود انتخاب نمود لکن تعالی و اختار مؤمنی من قوم سبعین رجلا
 یسقا تینا و نهارا با خود بکوه طور برد ایشان در زیر کوه ماندند و موسی بیالاکوه رفته نما
 جات نموده که ناگاه دیدند از جهات مسته صوت جاتقران ظاهر شد که شبیه سخنان
 مخلوقات از آدمیان و جنیان و سایر صاحبان روح نبود و آن صدائی بود چنان
 که خداوند او را از قدرت کافه خود در هر خلق فرمود و چون التذادی از ان کلمات
 قدرت علامات حاصل نمودند و موسی آمد بتز ایشان ایشان جبارا بکناری گذارد
 در کمال جبارت و سفاهت گفته ما از کجا بدانیم که این صدا و کلمات آیه است
 ما ایمان نیاوریم و یقین نمیکنیم مگر آنکه آشکارا خدا را ملاحظه نمائیم و کیفیت تکلم
 نمودن او را ببینیم لکن تعالی آن تو زمین بگت حتی تری اشد جزه پس چون این خواهش
 محال دانمودند و حضرت موسی هم من باب لابی از زبان ایشان این خواهش را

و بعد از مردن ایشان آنها را بدنیار کرده اند و صبحی از ایشان در دنیا زندگانی نمودند و آنها بسیار ند چنانچه خداوند عالمان در قرآن مجید و فرقان حمید حکایات ایشان را از برای حضرت پیغمبر آخر از زمان بیان مسیحه مایه منها آیه مبارکه قبعثنا کم بعد موتکم اهلکم لشکرهون است و قضیه او این است چون که حضرت موسی تورا را از برای بنی اسرائیل آورد و گفت خدا با من در کوه طور تکلم مینماید و مرا کلیم خود قرار داده است قوم او از او در خواست نمودند که ما را با خود ببرد تا ملاحظه کنان آیه نمائیم پس موسی لا علاجا هفتا و تفر از بزرگان و علماء و صلحاء و مقدسین و فقهاء و مؤمنین از قوم خود انتخاب نمود لکن تعالی و اختار مؤمنی من قوم سبعین رجلا یسقا تینا و نهارا با خود بکوه طور برد ایشان در زیر کوه ماندند و موسی بیالاکوه رفته نما جات نموده که ناگاه دیدند از جهات مسته صوت جاتقران ظاهر شد که شبیه سخنان مخلوقات از آدمیان و جنیان و سایر صاحبان روح نبود و آن صدائی بود چنان که خداوند او را از قدرت کافه خود در هر خلق فرمود و چون التذادی از ان کلمات قدرت علامات حاصل نمودند و موسی آمد بتز ایشان ایشان جبارا بکناری گذارد در کمال جبارت و سفاهت گفته ما از کجا بدانیم که این صدا و کلمات آیه است ما ایمان نیاوریم و یقین نمیکنیم مگر آنکه آشکارا خدا را ملاحظه نمائیم و کیفیت تکلم نمودن او را ببینیم لکن تعالی آن تو زمین بگت حتی تری اشد جزه پس چون این خواهش محال دانمودند و حضرت موسی هم من باب لابی از زبان ایشان این خواهش را

و بعد از مردن ایشان آنها را بدنیار کرده اند و صبحی از ایشان در دنیا زندگانی نمودند و آنها بسیار ند چنانچه خداوند عالمان در قرآن مجید و فرقان حمید حکایات ایشان را از برای حضرت پیغمبر آخر از زمان بیان مسیحه مایه منها آیه مبارکه قبعثنا کم بعد موتکم اهلکم لشکرهون است و قضیه او این است چون که حضرت موسی تورا را از برای بنی اسرائیل آورد و گفت خدا با من در کوه طور تکلم مینماید و مرا کلیم خود قرار داده است قوم او از او در خواست نمودند که ما را با خود ببرد تا ملاحظه کنان آیه نمائیم پس موسی لا علاجا هفتا و تفر از بزرگان و علماء و صلحاء و مقدسین و فقهاء و مؤمنین از قوم خود انتخاب نمود لکن تعالی و اختار مؤمنی من قوم سبعین رجلا یسقا تینا و نهارا با خود بکوه طور برد ایشان در زیر کوه ماندند و موسی بیالاکوه رفته نما جات نموده که ناگاه دیدند از جهات مسته صوت جاتقران ظاهر شد که شبیه سخنان مخلوقات از آدمیان و جنیان و سایر صاحبان روح نبود و آن صدائی بود چنان که خداوند او را از قدرت کافه خود در هر خلق فرمود و چون التذادی از ان کلمات قدرت علامات حاصل نمودند و موسی آمد بتز ایشان ایشان جبارا بکناری گذارد در کمال جبارت و سفاهت گفته ما از کجا بدانیم که این صدا و کلمات آیه است ما ایمان نیاوریم و یقین نمیکنیم مگر آنکه آشکارا خدا را ملاحظه نمائیم و کیفیت تکلم نمودن او را ببینیم لکن تعالی آن تو زمین بگت حتی تری اشد جزه پس چون این خواهش محال دانمودند و حضرت موسی هم من باب لابی از زبان ایشان این خواهش را

این خلاف حاصل است از این که در این کتاب
 بهر حال که در این کتاب
 از این کتاب که در این کتاب
 از این کتاب که در این کتاب

بمعرض عرض در آورده تا آنکه بر ایشان بفهماند که این امر محال است و جواب سن ترا
 از مصدر اجلال شنید و صاعقه آمده و همه ایشان را سوزانیده مردند لقوله تعالی قاتل
 قوم المشاکیه و انتم مطررون و موسی هم اقتاد و غشم نمود لقوله تعالی و قرمونی
 ضعیفا و چون هوشش آمد توبه و انابه نمود و یاران خود را سوخته دید عرض کرد پرورد
 کار اگر من بسوی قوم خود برگردم بی اینها میگویند ایشان را بر دی و کشتی که دروغ
 تو ظاهر شود پس آنها را زنده بفرمانا آنکه خود بگویند آنچه را که دیدند و شنیدند از اقلع
 رؤیت ذات اقدس تو پس خداوند ایشان را زنده فرمود لقوله تعالی فبعثناکم
 بعد موتکم پس باز کردید و بقوم خود گفتند و منهبها آنکه جماعتی از قوم پیشینان
 از خوف طاعون که بختند پس خداوند عالمیان ایشان بیکه فعه کشت و بعد از مدتی ایشان
 را زنده فرمود و در دنیا زنده کافی نمود: لقوله تعالی الم تر االی الذین خرجوا من ایاة
 یم و هم الؤف کدر التوب فقال لهم الله موتوا ثم احياهم و منهبها حکما
 عزیز و دانیال و خرفیل است که خداوند عالمیان را در بیان میفرماید فی قوله الباء
 او کالذین مر علی قریة و هی خادیه علی عروشها قال یحیی بیده الله بعد موتها فاما
 الله یأته غام ثم بعثه قال کم لیت قال لیت قال لیت یوما و بعض یوم قال ل
 لیت یأته غام یا مثل آن کسی که کشت بطریق عبور بر دی یا شهری و دید که خانهای
 آن شهر مجبوراً خراب شده است و سقفهای آنها افتاده است و مردم او هر مرد
 اند و بروی بیکه بیکه استخوانهای آنها بقدر کوهی جمع شده بودند پس با خود گفت که

اینست باینکه
 از قضاوتین
 که در این کتاب
 از قضاوتین
 که در این کتاب
 از قضاوتین
 که در این کتاب

باینکه در این کتاب
 از قضاوتین
 که در این کتاب
 از قضاوتین
 که در این کتاب
 از قضاوتین
 که در این کتاب

در بیان آنکه خداوند بزرگوار را چه بگویند
 در بیان آنکه خداوند بزرگوار را چه بگویند
 در بیان آنکه خداوند بزرگوار را چه بگویند

کی زنده خواهد نمود اینهارا خدا پس میرانید خدا او را بقدر صد سال پس بعد از آن
 او را زنده فرمود گفت خدا با او یا علی با و گفت یا خود بخود گفت که چه قدر خواهید
 جواب داد و یکروز یا بعضی از روز را خواهید ام گفت با و که صد سال است که در
 اینجا درنگ نموده خواهید پس خطاب با و رسید که میخواهی از برای تو اینهارا
 زنده کنم و تو پیگیر ایشان باشی عرض کرد بل خطاب با و رسید که بر روی این سخنان
 نهایی پوسیده آب بپاش چون آب پاشید در همان ساعت آن استخوانهای پوسیده
 از زیر میالان بالا برآمدند و بهم متصل شدند و یکدیگر زنده شده برخاستند
 و همه خوب شدند و در وایتی آن روز و روز نوروز فرس جسم و رول و خو
 شمن در بیخ حل بود پس معلوم شد که خداوند عالمیان جمعی از مردگان را در سابق
 از زمان زنده فرموده است و ایشان بدینا رجوع کرده اند پس چون این سبب
 ماسخ همه دنیا است و این امت آخر همه امتها میباشد لهذا باید آنچه در آنها واقع
 شده است در این امت نیز واقع شود تا مطابق حاصل آید و منتهی آید
 مبارک که و یوم نحس من کل امة فوجا من کذب یا یا تا فم یوز نخون که ولایت
 بر وقوع رجعت در روزی که میفرماید و روزیکه محشر نمانیم ما از هر امتی یکسوخ
 و دست و طایفه را از آن چنان کسی نگذیب مینموندند آیات ما پس ایشان از جود
 جس شده گمان میاشد و ما ایشان را جس کرده گناه داشته ایم که انتقام از ایشان
 بکشیم و در خبری وارد شده است که شخصی بخدمت صادق آل محمد صلی الله علیه

کلیت خود را بگویند
 از برای غیبت آن روز
 از برای غیبت آن روز
 از برای غیبت آن روز

در بیان آنکه خداوند بزرگوار را چه بگویند
 در بیان آنکه خداوند بزرگوار را چه بگویند
 در بیان آنکه خداوند بزرگوار را چه بگویند

ابن ابی عمیر
 لکن فی تحقیق
 فی بیان
 فی بیان

المناقب والمفاخر امام محمد باقر علیه السلام الله الملك الغافر متقول است که این جناب
 فرمود که قسم بخدا مراد پروردگار عالمیان از این آیه مبارکه نصرت دادن پیغمبران
 و مؤمنان بایشان است در زمان رحمت آیا تو ندانستی که بسیاری از رسولان و نور
 منان بدست کافران و مشرکان و منافقان و ظالمان و فاسقان و فاجران کشته
 شدند در حالت مظلومیت و مشهوریت و کسی یاری ایشان را نکرد تا آنکه بخواری
 وزاری بدون نصرت و یاری بتا کام از این دنیا بدر رفت پس اگر مراد نصرت
 دادن ایشان در قیامت کبری باشد کذب پر کلام الهی و او در میآید زیر آنکه مسخر
 ما در حیات دنیا و زنده کی یاری رسولان خود و مؤمنان بایشان را میکنم پس چو
 در آن زمان نکرده است یاری ایشان را باید تا نیای ایشان را بدینا بر کردانند و ایشان را
 یاری کنند و نصرت دهند تا آنکه وقابو عده خود نموده باشند والا خلف و کذب و عدا
 بر او لازم میآید و این عین کفر و ارتداد است و تخلف خدا از وعید جایز است
 نه از وعده علاوه بر اینکه اورا بصیغه مستکرم مع التبر از فعل مضارع بیان فرموده است
 که دلالت بر حال استقبال هر دو می کند و در زمان رسول خدا که این آیه نازل
 شد رسول بخیر آن حضرت باقی نمانده بود که بعد ازین یا حال آنکه خدا آنها را یاری
 نماید همه کشته شدند از آنها کشته شده بودند و قطره سلسا را هم هیچ بیان فرموده
 پس این آیه و آیه سابقه بر او حجت صریحه قاطعه بر اهل سنت جماعت میباشد که مشرکند
 و منتهی آیه مبارکه هو الذی ارسل رسوله با الهمدی و ذین الحق لیظهر علی

یعنی او را روی بر بالا نهادند
 در بیان مفاخر امام محمد باقر علیه السلام
 در بیان مفاخر امام محمد باقر علیه السلام
 در بیان مفاخر امام محمد باقر علیه السلام
 در بیان مفاخر امام محمد باقر علیه السلام

در بیان مفاخر امام محمد باقر علیه السلام
 در بیان مفاخر امام محمد باقر علیه السلام

سوره زکواتین در بیان سوره زکواتین در بیان سوره زکواتین در بیان سوره زکواتین در بیان سوره زکواتین در بیان سوره زکواتین در بیان

الدين كذا وكذا...
عجل الله فرجه بالاب...
رسول خود را بهدایت و دین حق تا آنکه ظاهر و غالب نماید او را بر همه دینها و
هر چند که خواهند مشرکان و تا بحال که هزار و دو صد و سی و هفتاد و پنج سال است که
از هجرت آنحضرت میگذرد و دین او غالب بر همه دینها شده است زیرا که
بود و نصاری و مجوس و سایر ادیان و ملل و نحل و مذاهب مختلفه در دنیا بسیار
و بعضی از آنها غالب بر دین اسلام هستند مثل طوائف مختلفه نصاری از روسیه
و فرنگستان از انگلیس و فرانسه و ترکیه و کرجانی و قلماقیه و صغیر از چین و هند
و هندوستان و غیره ایشان که غالب بر اهل اسلام و مسلمین هستند پس باید
و ند بررگی از اهل اسلام و آل محمد برانگیزند تا آنکه همه دینها یک دین محمدیه گردند
و سایر کمویان را از میان بردارد و اهل آنها را منکوب و مغلوب و متهور سازد
و مقطوع نماید مگر در دنیا نماید بخردین محمدی و امین احمدی و الا یا باید کذب
لازم بیاید بر خدا و قول باین کفر است و یا باید خلفت و عده برا و لازم بیاید
این هم نقص بر اوست و یا باید کسی بیاید که عالم را از کفر و شرک و ظلم و جور پاک
نماید و نور علم و دین حق و عدل و داد در عالم پهن کند و او حضرت یقین الله
الارض جناب محمدی آل محمد صلی الله علیه وآله وسلم است چنانچه خداوند
عالمان در چند جای از قرآن این وعده را فرموده است که این این زمین را

این سخن را از آنجا که...
در بیان سوره زکواتین...
که از آنجا که...
در بیان سوره زکواتین...
که از آنجا که...
در بیان سوره زکواتین...
که از آنجا که...
در بیان سوره زکواتین...
که از آنجا که...
در بیان سوره زکواتین...
که از آنجا که...
در بیان سوره زکواتین...
که از آنجا که...
در بیان سوره زکواتین...
که از آنجا که...
در بیان سوره زکواتین...

عجل الله فرجه بالاب...
رسول خود را بهدایت...

ابراهم را که در آن روز
 از او جدا کردی و بر او
 لعنت کردی و بر او لعنت
 کردی و بر او لعنت کردی
 و بر او لعنت کردی و بر او
 لعنت کردی و بر او لعنت
 کردی و بر او لعنت کردی

غالب نماید و اهل او را با قوت و شوکت و تکلیف و وقار و سلطنت و افضیت
 قرار دهد و منها این آیه مبارکه است که فرموده وَ عَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ مِنْ قَلْبِهِمْ مِرْكَةٌ
 جَعَلَ لِيُتَابِعُواكَ بِتَأْمِينِ اللَّهِ وَالَّذِينَ لَمْ يَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ لَنْ يَكُونَ
 مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِينَ يَخْتَصِمُونَ لَنْ يَكُونَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِينَ يَخْتَصِمُونَ
 لَنْ يَكُونَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِينَ يَخْتَصِمُونَ لَنْ يَكُونَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ
 کسانیکه ایمان آورده اند از شما و عمل صالح کرده اند که هر آینه خلیفه نماید ایشان را
 در زمین چنانچه خلیفه نموده است کسانیکه پیش از ایشان بوده اند و هر آینه ممکن
 فرماید از برای ایشان دین ایشان را که راضی شده است با و از برای ایشان
 و هر آینه بدل نماید ایشان از بعد خوف ایشان بامینی که در حال افضیت جهاد
 نمایند خدا را و شریک از برای من قرار ندهند چیزی را و کسی که کافر شود بعد از
 این پس ایشان بدان فاسقان میباشند و در تفسیر این آیه شریفه میان شیعیان و
 شیعیان خلافت شیعیان او را تفسیر در باره خلفاء ثلاثه نموده اند با خلفاء نبوی
 و بنی عباس با اولو الامر ایشان که عبارت از سلطان ایشان است و میگوید خداوند
 چنانچه وعده فرموده بود ایشان را خلیفه در روی زمین نمود و دین ایشان را روشن
 و ایشان جهاد الهی را کردند و خوف و بیم و ترس از کسی نداشتند بلکه در کمال
 افضیت و استیلاء بقراغت بال و سلطنت خلافت در زمین کردند و اطاعت کردند
 و خدا هم بوعده خود رفتار نموده ایشان را متکین در زمین فرمود و انا شیعیان این

طیور علم از روی
 حکم و عدل و انصاف
 و عدل و انصاف
 این چنانچه در تفسیر
 آیات صریحه است
 این چنانچه در تفسیر
 آیات صریحه است
 این چنانچه در تفسیر
 آیات صریحه است
 این چنانچه در تفسیر
 آیات صریحه است

و خدا هم بوعده خود رفتار نموده ایشان را متکین در زمین فرمود و انا شیعیان این

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

آیه مبارکه را در حق ائمه خودشان تفسیر نموده اند و همین تفسیر را از ایشان در روایات
عده متعدده معتبره متکرره متعدده روایت نموده اند و مضمون در مشون خود
آیه مبارکه تصدیق شعبان و کذب سنجان را می نماید زیرا که خدا ایتعالی در این آیه چند
چیز بیان میفرماید اول خدا وعده نموده است بجانیکه از شما ایمان آورده اند
و عمل طایع کرده اند و اویم انگ ایشان را خلیفه نماید در زمین مستجاب در این آیه
این است که ایشان را خلیفه در همه روی زمین نماید نه آنکه مطلقا خلیفه شوند در روی
زمین و تا حال کسی از امت حضرت رسول ص خلیفه تمام روی زمین نشده چنانچه
معلوم و واضح است پس آن کسانیکه گذشته اند نباید مراد باشند و تشبیه بخلاف
سابقین است مطلقا آنکه تشبیه بخلاف مقیده بعضی گفته ایشان است اگر چه
اطلاق هم در آیه شریفه می رود مستقیم اینکه دین ایشان را مستکن از برای ایشان کرده اند
و مراد از این فقره خلیفه دین ایشان است بر سایر ادیان نه اینکه مشرکین شدن ایشان
ن است بدین خودشان و دین خودشان در ظاهر تا این زمان که غالب رجه دنیاها
نشده است چشما رم آنکه بدل نماید خوف ایشان را با نیت یا آنکه خوف ایشان
بدل نماید با نیتی بعد از خوف ایشان و این معنی بدوجه صدق بر خلفاء آنها نماید
یکی بواسطه آنکه خلفاء ایشان خوفی نداشتند نه در زمان حضرت رسول زیرا که از مساجد
آنحضرت بودند و نه بعد از وفات و رحلت آنحضرت زیرا که بقول سنجان همه امت
پیغمبر اجماع نمودند و ابو بکر رضی الله عنه را خلیفه کردند و او هم قوتی گرفته و در وقت مرگ

در روایات معتبره متعدده روایت نموده اند و مضمون در مشون خود
آیه مبارکه تصدیق شعبان و کذب سنجان را می نماید زیرا که خدا ایتعالی در این آیه چند
چیز بیان میفرماید اول خدا وعده نموده است بجانیکه از شما ایمان آورده اند
و عمل طایع کرده اند و اویم انگ ایشان را خلیفه نماید در زمین مستجاب در این آیه
این است که ایشان را خلیفه در همه روی زمین نماید نه آنکه مطلقا خلیفه شوند در روی
زمین و تا حال کسی از امت حضرت رسول ص خلیفه تمام روی زمین نشده چنانچه
معلوم و واضح است پس آن کسانیکه گذشته اند نباید مراد باشند و تشبیه بخلاف
سابقین است مطلقا آنکه تشبیه بخلاف مقیده بعضی گفته ایشان است اگر چه
اطلاق هم در آیه شریفه می رود مستقیم اینکه دین ایشان را مستکن از برای ایشان کرده اند
و مراد از این فقره خلیفه دین ایشان است بر سایر ادیان نه اینکه مشرکین شدن ایشان
ن است بدین خودشان و دین خودشان در ظاهر تا این زمان که غالب رجه دنیاها
نشده است چشما رم آنکه بدل نماید خوف ایشان را با نیت یا آنکه خوف ایشان
بدل نماید با نیتی بعد از خوف ایشان و این معنی بدوجه صدق بر خلفاء آنها نماید
یکی بواسطه آنکه خلفاء ایشان خوفی نداشتند نه در زمان حضرت رسول زیرا که از مساجد
آنحضرت بودند و نه بعد از وفات و رحلت آنحضرت زیرا که بقول سنجان همه امت
پیغمبر اجماع نمودند و ابو بکر رضی الله عنه را خلیفه کردند و او هم قوتی گرفته و در وقت مرگ

تقریر این آیه در مساجد آنحضرت بود
و در زمان آنحضرت بود و در وقت مرگ
پیغمبر اجماع نمودند و ابو بکر رضی الله عنه را خلیفه کردند و او هم قوتی گرفته و در وقت مرگ

و در این زمان که حضرت علی علیه السلام در مدینه بود و در ماه شش ماه هجرت بود و در این زمان که حضرت علی علیه السلام در مدینه بود و در ماه شش ماه هجرت بود

و در آن نمود بلکه امام حسن هم که خلیفه رسول خدا بود در مدینه شش ماه هجرت بود
حدیث ایشان که آنحضرت بعد از ثلاثون سینه که میت و پنج سال خلفاء ثلاثه خلافت
نمودند و چهار سال و نیم امیرالمؤمنین و شش ماه او را حضرت امام حسن خلافت
و معاویه بر او تنگ گرفت و آخر الامر او بشرایط چند با معاویه صلح نمود که او هم
یکی از آن شرطها را بجا نیاورد و فاسق و ظالم شد و بقول شیعه کافر و مشرک و مرتد بود
و تنبیهها میگویند توبه نمود، خوب شد و حال آنکه توبه کرک مرگ اوست و اما پسوند
الزمانه طعنش زید پدید غنید که بقدر دو سال و نیم خلافت و سلطنت نمود و گاهی
مافی کرد که هیچ سگ بدرگ از اولین و آخرین نکرند اول سید جوانان بهشت را باقی
و در تفرز اولاد او مجاهد و برادران و بنی اعمام و اصحاب او را در صحرائی که آباد میکرد
شهادت نمود و اهل بیت رسالت را خارت نموده اسیر کرده و شهر شهرو دیار دیار گرفتند
نید و آن رسوایی دنیا و آخرت را بیار آورد و دویم مسلم بن عقبه را فرستاد مدینه
طیبه را در ظرف مدینه سه روز تاراج و خرابی و محصنیهها نمود خاصه در لیده اخره و حاج
آنکه نزد این روایت می کنند که پیغمبر فرمود من اخاف مدینتی فعلیه لعنة الله
الملائکة و الناس اجمعین و آن ملعون جمعی از اصحاب حضرت رسول ص را از اهل بیت
رضوان و سوره بقره کشت و میت از باقی مانده ایشان از مهاجرین و انصار
عبودیت و محلوکیت گرفت ستم آنکه سر سر عبداللہ بن زبیر را فرستاد که را خراب
نمود و بی احترامیها بنحانی که کرد و خانه حسین بن زبیر را خراب نمود و بی احترامیها و

که معاویه را در مدینه بود و در ماه شش ماه هجرت بود و در این زمان که حضرت علی علیه السلام در مدینه بود و در ماه شش ماه هجرت بود

و در این زمان که حضرت علی علیه السلام در مدینه بود و در ماه شش ماه هجرت بود و در این زمان که حضرت علی علیه السلام در مدینه بود و در ماه شش ماه هجرت بود

از لکن بر عاقل و دانا ...
در میان عقل و کلام و کلام ...
از او پس از آنکه در کلام ...

بیعت از اهل مکه گرفت و احوال ظلم و فتن و جور و کفر و فتن و آرتداد و شرک و خود
و عداوت و دشمنی خلفاء بنی امیه و بنی مروان و بنی عباس و با اهل بیت رسالت
مخفی و پنهان گشت بلکه همه صاحبان ظل و منحل و ادیان آنها را میدانند پس چگونه این طالب
عین مردودین ملعونین فاسقین ظالمین قاجرین کافرین مرتدین مشرکین ناصبین مفسدین
این افعال شنیعه و اعمال خبیثه و احوال ملعونه جادوت و اطاعت خدا را نمودند و غیر
از برای خدا فرار ندادند و عصی نکردند پس قطعاً و جزاً و صریحاً و یقیناً مراد از این آیه
مبارکه این کفار ظلام فاسق قاجار بدشمار منافقین نمیشوند بلکه مراد بقول شیخانی
اینست که ذره طیبه و عترت طاهره حضرت خیر العشر میباشد که اول ایشان علی بن
ابیطالب و آخر ایشان حضرت صاحب الزمان علیه صلوة الله علیه ملک المنان است
که اهل بیت اطهار آن حضرت میباشد و هر یک از ایشان اکمل و اعلم و اجل و ادرع
و اتقی و از هد و احلم و احکم و افضل از اولیاء عمل عصر خود و جمیع اعصار بودند و هستند
باتفاق شیعیان و سنیان و با وجود اینکه افضل بودند و باخبار حدیده سنی و شیعیه و با
خلیفه رسول خدا بودند که آن حضرت فرمود لا تنقضی الدنیا الا یا ایها الشیخ عشیرة خلیفة کلهم
قریشیة هی اوقات در خوف و پیم و ترس و تقیة از ظالمین و معاندین و خانه نشین و
پریشان و مظلوم و منصوب اقبال و اجتناب بودند و علی رد و سس الا شهادت او را می
گشتند و اسیر مینمودند و حبس میکردند و غالب این ظالمان و فاسقان قاجران
کافران منافقان در مقام اذیت و آزار و هتک حرمت و خفت ایشان بر

در بیان عقل و کلام و کلام ...
از او پس از آنکه در کلام ...
از لکن بر عاقل و دانا ...
در میان عقل و کلام و کلام ...
از او پس از آنکه در کلام ...

این آیه مبارکه از کتاب ...
در بیان عقاب و عذاب ...
از لکن بر عاقل و دانا ...

روایتی است که در بعضی نسخ آمده است که در بعضی نسخ دیگر آمده است که در بعضی نسخ دیگر آمده است

میآمدند و بلا ایشان و شیعیان ایشان در کمال اختلال احوال و تشویش بال بودند تا آنکه بعضی را بشمشیر آیدار و برخی را بوده الماس و زر هر قاتل مقتول و مسموم نمودند و وعده الهی ابد آور باره ایشان بعمل نیامده است و ایشان از خلافت روی روی زمین گذشته بودند نمیکند استعد با طینان ال و خاطر همی و آسود که در خانه خود بنشینند و اطاعت و جهادت الهی را نمایند بخیر ال آنکه مبادا امر سلطنت و حکومت در ریاست را از ما بگیرند پس بنابر وعده الهی باید ایشان و جمعی از مؤمنان خلوصیت بنیان در دنیا خلافت و حکومت و سلطنت نمایند و خوف و ترس و کفر ایشان مبدل با عنیت شود و مراد از لفظ الذین آمنوه مؤمنین نیستند بلکه بعضی از مؤمنین است و الا حاکم باید پیش از محکوم علیه باشد یا آنکه هر دو یکتفر باشند یا آنکه همه مؤمنین خلیفه شوند بلکه مراد مؤمنین کامل الایمان و حقیقی الایقان میباشد که ایمه ظاهرین باشند که خلفاء امین رب العالمین اند و چون ایشان متصف بصفات کمال ایمان هستند باید ایشان هم خلیفه روی زمین شوند و الا یا خلف و عده الهی لازم میآید و این غلط است و یا مؤمن کامل نبودن ایشان و این باتفاق شیعیان و سنیان باطل است و یا اینکه باید ایشان خلیفه شوند و باتفاق اهل سیر و تاریخ و حدیث ایشان خوف و خانه نشین در هر عصری بودند و خلافت ظاهره نگردند و شکن از خلافت و ریاست و اولویت و تصرف در امور بظاهر نشند بلکه منصوب الحق و المال و خایف و دجل و مغرور و همسوک الحرمه و مقتول و اسیر شدند و خلافت و حکومت ریاست

در این باب در بعضی نسخ آمده است که در بعضی نسخ دیگر آمده است که در بعضی نسخ دیگر آمده است

ظاهر از مردم بود و در بعضی نسخ دیگر آمده است که در بعضی نسخ دیگر آمده است

بنی امیه و بنی عباس و بنی امیة و بنی مروان
 و بنی عباس بود و این پر معلوم است که حسین ابن علی بن ابیطالب است که از جمله اهل
 بیت پیغمبر بود و آیه تطهیر و آیه اثباتنا و آیه قل لا اثمکم علیہ احراما الا المودة فی القرب
 در حق او و پدر و مادر و برادر و فرزندان او نازل شده بود و سید جوانان اهل بیت
 و کوشا و عرش خدا باشد و ایمان کامل نداشته باشد لهذا مشهور و مقبول شد و
 نکروید و زید پدید عنید شارب انحرزانی لایط فاسق فاجر قمار باز طنبور نواز
 سک آواز میمون باز حرامزاده ولد آرزاء کافر منافق خراب گفته خانه
 و تاراج نمایند مدینه رسول خدا قاتل فرزند خیر البشر زنا گفته با عه و خان
 نطقه حرام معاویه علیه الهام و تبه دشمن امیر المؤمنین پسرزاده هند جگر خوار نوۀ ابوسفیان
 مشرب متافق که چندین جنگ با رسول خدا نمود و مومن باشد و خدا بوعده خود
 او را خلیفه در زمین نماید و بر تخت زر نگار بنشیند و سر مطهر فرزند فخر کاینات را در
 طشت طلا در پیش روی خود بیاورد و اهل بیت رسالت که ناموس کبریا و اکبرند
 در مجلس خاص و عام و محفل شراب بر پای ایستاده مغلوب و مکشوف الشعور و الرود
 نگاه بدار و این خلافت الهیه است که با دو واسطه ایمان او عطا فرموده است
 مکر مزد شکستن دندان پیغمبر و خورد جگر حمزة اطهر و جنگ نمودن با حیدر صفدر و پاره
 پاره نمودن پاره تن پیغمبر و شهید نمودن حسین تشنه جگر را میخواسته است که خمی از پرده
 کبان پرده عفت و عظمت و طهارت و عصمت را با خیال و دطلال و پسران

بنی امیه و بنی عباس و بنی امیة و بنی مروان
 و بنی عباس بود و این پر معلوم است که حسین ابن علی بن ابیطالب است که از جمله اهل
 بیت پیغمبر بود و آیه تطهیر و آیه اثباتنا و آیه قل لا اثمکم علیہ احراما الا المودة فی القرب
 در حق او و پدر و مادر و برادر و فرزندان او نازل شده بود و سید جوانان اهل بیت
 و کوشا و عرش خدا باشد و ایمان کامل نداشته باشد لهذا مشهور و مقبول شد و
 نکروید و زید پدید عنید شارب انحرزانی لایط فاسق فاجر قمار باز طنبور نواز
 سک آواز میمون باز حرامزاده ولد آرزاء کافر منافق خراب گفته خانه
 و تاراج نمایند مدینه رسول خدا قاتل فرزند خیر البشر زنا گفته با عه و خان
 نطقه حرام معاویه علیه الهام و تبه دشمن امیر المؤمنین پسرزاده هند جگر خوار نوۀ ابوسفیان
 مشرب متافق که چندین جنگ با رسول خدا نمود و مومن باشد و خدا بوعده خود
 او را خلیفه در زمین نماید و بر تخت زر نگار بنشیند و سر مطهر فرزند فخر کاینات را در
 طشت طلا در پیش روی خود بیاورد و اهل بیت رسالت که ناموس کبریا و اکبرند
 در مجلس خاص و عام و محفل شراب بر پای ایستاده مغلوب و مکشوف الشعور و الرود
 نگاه بدار و این خلافت الهیه است که با دو واسطه ایمان او عطا فرموده است
 مکر مزد شکستن دندان پیغمبر و خورد جگر حمزة اطهر و جنگ نمودن با حیدر صفدر و پاره
 پاره نمودن پاره تن پیغمبر و شهید نمودن حسین تشنه جگر را میخواسته است که خمی از پرده
 کبان پرده عفت و عظمت و طهارت و عصمت را با خیال و دطلال و پسران

بنی امیه و بنی عباس و بنی امیة و بنی مروان
 و بنی عباس بود و این پر معلوم است که حسین ابن علی بن ابیطالب است که از جمله اهل
 بیت پیغمبر بود و آیه تطهیر و آیه اثباتنا و آیه قل لا اثمکم علیہ احراما الا المودة فی القرب
 در حق او و پدر و مادر و برادر و فرزندان او نازل شده بود و سید جوانان اهل بیت
 و کوشا و عرش خدا باشد و ایمان کامل نداشته باشد لهذا مشهور و مقبول شد و
 نکروید و زید پدید عنید شارب انحرزانی لایط فاسق فاجر قمار باز طنبور نواز
 سک آواز میمون باز حرامزاده ولد آرزاء کافر منافق خراب گفته خانه
 و تاراج نمایند مدینه رسول خدا قاتل فرزند خیر البشر زنا گفته با عه و خان
 نطقه حرام معاویه علیه الهام و تبه دشمن امیر المؤمنین پسرزاده هند جگر خوار نوۀ ابوسفیان
 مشرب متافق که چندین جنگ با رسول خدا نمود و مومن باشد و خدا بوعده خود
 او را خلیفه در زمین نماید و بر تخت زر نگار بنشیند و سر مطهر فرزند فخر کاینات را در
 طشت طلا در پیش روی خود بیاورد و اهل بیت رسالت که ناموس کبریا و اکبرند
 در مجلس خاص و عام و محفل شراب بر پای ایستاده مغلوب و مکشوف الشعور و الرود
 نگاه بدار و این خلافت الهیه است که با دو واسطه ایمان او عطا فرموده است
 مکر مزد شکستن دندان پیغمبر و خورد جگر حمزة اطهر و جنگ نمودن با حیدر صفدر و پاره
 پاره نمودن پاره تن پیغمبر و شهید نمودن حسین تشنه جگر را میخواسته است که خمی از پرده
 کبان پرده عفت و عظمت و طهارت و عصمت را با خیال و دطلال و پسران

فردا صبحان ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او

دختران کوچک و نورس در میان بیابان خم نخور بی آب و علف نگاه دارند
 و مردان ایشان را که یاوران ایشان بودند بر شمشیر و تان و چوب و سنگ نشسته
 و کرسنه بکشند و هجوم و تقصیر با کمال جبارت و بیانی دبی دینی در خیم فحاش
 بریزید بجهت نهب و قارت و اسیر نمودن و حال آنکه جبرئیل و غرر ائیل که در ملک
 مشرف رت جلیل اند بدون آن ایشان داخل دولت ساری ایشان نمیشدند پس
 ایشان را بمانند اسیران روم و جسته و زنگبار از کفار بر شتران بی محل و چهار سوار
 نمایند و از برای نیرید پلید طعون ازل و ابد بپند چهل مترل راه پس چگونه حسین
 بن علی بن ابیطالب مؤمن نبود و وعده الهی در باره او عمل نیامد و نیرید عنیدت
 مؤمن و قمع و متقی بود که وعده الهی در باره او بجا آمده او خلیفه و سلطان شد پس
 عقلاً و تقلاً و عرفاً و عادتها و شرعاً و اعتباراً باید زمانی بیاید که خداوند عالمیان در
 دنیا و عده خود را بجای آورد و ایشان در خرد از آن خوف و بیم و ترس قتل
 و غارت و اسیری و اطاعت و انقیاد الهی خلیفه روی زمین شود و انتقام از
 دشمنان بکشد و بدون خوف و بیم اطاعت و عبادت الهی را نمایند و سر یک
 از برای او قرارند مند بلکه آنچه را که مردم شرک خدا بپندارند دنیا بر دارند
 و این همان رحمت آل محمد است که ایشان سلطنت نمایند بعد از آنکه ضعیف و خوار
 و مظلوم و مشهور شدند از دست ظالمان و کافران و فاجران و منافقان و آن
 زمان پادشاهی مظلومان و مشهوران است چنانچه صریح باین کلام است آن حضرت

فردا صبحان ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او

فردا صبحان ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او ایستادند در پیشگاه او

که و پادشاهان در میان بعضی ملایکین
 کالیه و پادشاهان در میان بعضی ملایکین
 که و پادشاهان در میان بعضی ملایکین

که خداوند عالمان میفرماید و نیز بدان متی علی الذین استقصوا فی الارض و
 جعلهم ائمة و جعلهم انوارین و لیکن لهم فی الارض و نوری فرعون و امان و جبر
 هاهمینهم تا گواهی بخورند و منی و ارواده میکنیم ما که منت بگذاریم بر آن کس
 که ضعیف شدند در زمین و پایمال گردیدند اینکه گردانیم ایشان را امان و مقتدا
 مای خلق در آشکار و بگردانیم ایشان را و امان زمین و شکر کنیم ما از برای ایشان
 در زمین که هر نوع تصرفیکه بخواهند در او نمایند و بنام فرعون و امان و خود
 ایشان را پذیرد که بودند از ایشان خدای نمودند و دوری میکردند بدینکه تری
 این ای شریفه در حق بنی اسرائیل نازل شده است و در تاویل او میان مسلمانان
 خلافت سبب آن او را در باره خلفاء خودشان حمل نموده اند و مراد از فرعون و
 امان بزرگ مشرکان گرفته اند مثل مسیله گداز و سباج و لشکر یامه و همین که ابوبکر
 و عمر با ایشان جنگ نموده است و بعضی حمل او را بر ان حضرت رسول خدا
 کرده اند و مراد از فرعون و امان ابوجهل و ابوسفیان یا عقبه بن ربیع و احزاب
 ایشان با گفارشکه آنها را گفته اند و مراد از ضعیفان مؤمنان از اصحاب حضرت
 شمرده اند که خلیفه شدند که ابوبکر و عمر و عثمان با سایر خلفای بنی امیه و بنی عباس
 باشند که ایشان را بر آنها مسلط نمود بعد از آنکه ضعیف بودند آنها زیرا که ایشان از
 اشراف و بزرگان قریش بودند و اما شیعیان اخبار عدیده متواتره از ائمه خود
 شان روایت نموده اند که مراد از ضعیفان ائمه طاهرين از اولاد امیرالمؤمنین

که و پادشاهان در میان بعضی ملایکین
 که و پادشاهان در میان بعضی ملایکین
 که و پادشاهان در میان بعضی ملایکین

که و پادشاهان در میان بعضی ملایکین
 که و پادشاهان در میان بعضی ملایکین
 که و پادشاهان در میان بعضی ملایکین

عاقبت از قیامت صحت
عقل و عظمها از شدت
و بعد از آن در اندک
عقل و عظمها از شدت
و بعد از آن در اندک

علی علیه السلام میباشند که در زمان خلفاء جابرین مظلوم و ضعیف بودند در ظاهر مراد
از فرعون و امان ابو جهل و ابی لهب میباشند با سایر منافقان که لشکر ایشان بودند
و همه خلفاء و ظالمین و فاسقین و فاجرین و منافقین بعد از ایشان از بنی امیه و
مروان و بنی عباس حق نشناس متابعان بی ایمان که جنود و لشکر شیطان ایشان
بودند پس درین حالیه و مقالیه بر صدق شیعه و کذب تپی بسیار در همین آیه مبارکه
ما فتنه شود و اولاً اینکه خصوصیت معاندین مدخلیت ندارد در خلافت زیرا
که از ایشان ضعیف تر هم در قریش بودند که ایمان آوردند و خلیفه شدند و ثانیاً
اینکه تخصیص قریش و صفاء ایشان ندارد بلکه شامل احوال همه ضعیفان در زمین میا
شد و ثالثاً خداوند فرمود ایشان را پیشوایان و امامان قرار میدهم انصافاً قاطعاً
امامت گذاشتند زیرا که اولی فریاد اقیلوتی نمودند و دومی بکرات و ترات
تولاه علیاً نهک عمر زاکوش هر کس رسانید پس امام باید اعلم افضل و ارجح اند
همه کس باشد و اینها چنین نبودند بلکه زمان پرده نشین ائمه بودند با قرار او
که گفت کل الناس ائمة من غیر حتی الخدر ابی قحیل و رابعاً اینکه امامت عهدی
است که خدا او را بحضرت ابراهیم خلیل الرحمن عطا فرمود آن جناب او را از برای
ذریه خود استدعا نمود خطاب لایزال عهدی الظالمین باور سجد و این دو قشر
ظالم بودند نظر باینکه در بیشتر عمر خود بت پرست بودند و کدام ظلم از بت پرستی بالاتر
است که ظلم بتقریب است و چون مرتکب خلافت غیر حق شدند ظلم تغییر هم کردند و ایشان

خلفای
معی
صحت
باید
استدلال
حجت
که
باید
استدلال
حجت
که
باید
استدلال
حجت

حالات را در مقابل
فتن بنی امیه
و بعد از آن در اندک
عقل و عظمها از شدت
و بعد از آن در اندک

ما این است که در این زمان که زمین را در دست خود دارند و خدای تعالی را در پیشگاه خود دارند و...

بنو اند بلکه تنیان خلیفه بودند و خلافت غیر از اوست است و خامسا آنکه خداوند وعده فرموده است که ایشان را وارث زمین نماید و ابو بکر رضی الله عنه پیش از وارث شدن مرد و فتوحات اسلام بدست عمر رضی الله عنه واقع شد و عمر رضی الله عنه هم وارث همه زمین شد و مراد از ارض همه زمین است نه بعضی زمین از جمله ارض و مطلق است و شامل قلیل و کثیر شود و الا آنکه الف و لام اول دلالت بر عموم میکند و سادسا اینکه تکمین زمین از برای ایشان نشده بود زیرا که غالب مردم کافر و مشرک و یهود و نصاری و مجوس بودند و تا در دست ایشان بود و اما در زمان عمر قدری بلاد از کفار گرفته شد پس متکمن از زمین نشد و وارث او هم نگردد بلکه در زمان خلافت خود هوشه خایف در آن و در زمان بودند چه از خارج و چه از داخل از خارج از مشرکان و سایر مردمان میترسیدند که برایشان هجوم بیاورند و از داخل از علی بن ابیطالب و بنی هاشم و جمعی از اصحاب حضرت رسول میترسیدند که مبادا کاری گفتند که خلافت را از ایشان بگیرند و مردم را برایشان بشوراندند چون حقیقت حقیقت علی را میدانستند لهذا شب و روز در اندیشه و فکر بودند که چه گفتند خاصه در زمان لهذا گاهی تدبیر قتل علی را میکردند و گاهی شوری میکردند و گاهی منع فدک را میکردند و گاهی بنی هاشم را تطبیع سلطنت و حکومت می نمودند چنانچه تفصیل در کتاب سیف السیف و کتاب بواری لامعه احوالات ایشان را از کلمات علماء اهل سنت و جماعت نوشته ام بجز اندکس باین قراین و کثرت اخبار

است ما را بنده خدا بنام خداوند تعالی در این زمان که زمین را در دست خود دارند و خدای تعالی را در پیشگاه خود دارند و...

کلمات علماء اهل سنت و جماعت نوشته ام بجز اندکس باین قراین و کثرت اخبار

و اما از ائمه اطهار عليهم السلام الله الملك القادر مراد ایشان هستند بلکه مراد ائمه
هدی که خلفاء رسول خدا بودند و میباشند و ایشانند که ضعیفان و مظلومان در روی
زمین بودند و ترسان و هراسان و خایف و مغرور و مغوم و جهوم و متو در و مقول و موب
و منسوب المال و الحق بودند و ایمان ایشان از همه کس کافتر بود و ایشان از همه اهل
حصر خود کافتر و قاضیتر و کافتر و کافتر و خویبر و بهتر و مستحق تر بودند پس خداوند وعده
فرموده است ایشان که ضعیف در زمین بودند که خلیفه در زمین و وارث زمین و
امان و نادمان و پیشوایان و مقتدایان در آشکارا و پنهان مردمان از مؤمنان و مسل
مان قرار دهد و زمین را متکثر از برای ایشان فرماید و اهل زمین را مطیع و متقاد
و تابع ایشان نماید و تا بحال این وعده بعمل نیامده است و باید در زمان رحمت
بعل بیاید و خداوند بفرعون و ثمان و لشکر ایشان از کافران و منافقان و مرتد
بنماید آنچه را که از ایشان میسریدند از عذاب و نیا و آخرت و سلب حکومت و ریاست
و امامت نموده حال این دو نفر را بحال آن دو نفر و لشکر اینهارا لشکر آنها خوانند و
این است که چون این دو نفر از متاخرین در ظلم و جور و کفر و شرک و عتوت و شوکت
و حرمت مثل آن دو نفر از متقدمین بودند لهذا خداوند اسم آنها را بروی آنها گذار
د و اشعاره او را بیان فرموده است و این ابلغ در کفر و شرک و تفاق و ارتداد و
است و چون ایشان و اتباع همو رطع ایشان بظاهر متلبس لباس اسلام و قائل
بقول لا اله الا الله و محمد رسول الله بودند و مراعات ظواهر اسلام و قواعد و غیبه

و اما از ائمه اطهار عليهم السلام الله الملك القادر مراد ایشان هستند بلکه مراد ائمه
هدی که خلفاء رسول خدا بودند و میباشند و ایشانند که ضعیفان و مظلومان در روی
زمین بودند و ترسان و هراسان و خایف و مغرور و مغوم و جهوم و متو در و مقول و موب
و منسوب المال و الحق بودند و ایمان ایشان از همه کس کافتر بود و ایشان از همه اهل
حصر خود کافتر و قاضیتر و کافتر و کافتر و خویبر و بهتر و مستحق تر بودند پس خداوند وعده
فرموده است ایشان که ضعیف در زمین بودند که خلیفه در زمین و وارث زمین و
امان و نادمان و پیشوایان و مقتدایان در آشکارا و پنهان مردمان از مؤمنان و مسل
مان قرار دهد و زمین را متکثر از برای ایشان فرماید و اهل زمین را مطیع و متقاد
و تابع ایشان نماید و تا بحال این وعده بعمل نیامده است و باید در زمان رحمت
بعل بیاید و خداوند بفرعون و ثمان و لشکر ایشان از کافران و منافقان و مرتد
بنماید آنچه را که از ایشان میسریدند از عذاب و نیا و آخرت و سلب حکومت و ریاست
و امامت نموده حال این دو نفر را بحال آن دو نفر و لشکر اینهارا لشکر آنها خوانند و
این است که چون این دو نفر از متاخرین در ظلم و جور و کفر و شرک و عتوت و شوکت
و حرمت مثل آن دو نفر از متقدمین بودند لهذا خداوند اسم آنها را بروی آنها گذار
د و اشعاره او را بیان فرموده است و این ابلغ در کفر و شرک و تفاق و ارتداد و
است و چون ایشان و اتباع همو رطع ایشان بظاهر متلبس لباس اسلام و قائل
بقول لا اله الا الله و محمد رسول الله بودند و مراعات ظواهر اسلام و قواعد و غیبه

و اما از ائمه اطهار عليهم السلام الله الملك القادر مراد ایشان هستند بلکه مراد ائمه
هدی که خلفاء رسول خدا بودند و میباشند و ایشانند که ضعیفان و مظلومان در روی
زمین بودند و ترسان و هراسان و خایف و مغرور و مغوم و جهوم و متو در و مقول و موب
و منسوب المال و الحق بودند و ایمان ایشان از همه کس کافتر بود و ایشان از همه اهل
حصر خود کافتر و قاضیتر و کافتر و کافتر و خویبر و بهتر و مستحق تر بودند پس خداوند وعده
فرموده است ایشان که ضعیف در زمین بودند که خلیفه در زمین و وارث زمین و
امان و نادمان و پیشوایان و مقتدایان در آشکارا و پنهان مردمان از مؤمنان و مسل
مان قرار دهد و زمین را متکثر از برای ایشان فرماید و اهل زمین را مطیع و متقاد
و تابع ایشان نماید و تا بحال این وعده بعمل نیامده است و باید در زمان رحمت
بعل بیاید و خداوند بفرعون و ثمان و لشکر ایشان از کافران و منافقان و مرتد
بنماید آنچه را که از ایشان میسریدند از عذاب و نیا و آخرت و سلب حکومت و ریاست
و امامت نموده حال این دو نفر را بحال آن دو نفر و لشکر اینهارا لشکر آنها خوانند و
این است که چون این دو نفر از متاخرین در ظلم و جور و کفر و شرک و عتوت و شوکت
و حرمت مثل آن دو نفر از متقدمین بودند لهذا خداوند اسم آنها را بروی آنها گذار
د و اشعاره او را بیان فرموده است و این ابلغ در کفر و شرک و تفاق و ارتداد و
است و چون ایشان و اتباع همو رطع ایشان بظاهر متلبس لباس اسلام و قائل
بقول لا اله الا الله و محمد رسول الله بودند و مراعات ظواهر اسلام و قواعد و غیبه

منظوم از کتب معتبره در بیان فضیلت حضرت زین العابدین

از ارباب عارفان و شیخان عظامه
که در بیان فضیلت او شرح
داشته اند و در این مختصر
از کتب معتبره در بیان فضیلت
حضرت زین العابدین
چهارم
از کتب معتبره در بیان فضیلت
حضرت زین العابدین
چهارم
از کتب معتبره در بیان فضیلت
حضرت زین العابدین
چهارم

زنده شوند و بدن بار جوع نموده زمین را بمیراث بگیرند زیرا که ایشان همیشه در دنیا بهشت
و کلفت و زحمت و مشقت گذران نمودند و خود ایشان و شیعیان ایشان منسوب و مقبول
و مستغنی و مجوس و خانه نشین و مغلوب بود چنانچه حضرت صادق آل محمد ص ما میثا اقا
مقول او شهید یعنی نبی باشد از ما کرده اما مان کرانکه مقول یا شهید شدند و لفظ او بمعنی
و است نه تردید است و ایضا خداوند عالمان میفرماید و لکن نقیصهم عذاب
الادنی و ان العذاب الاکبر و هراینه مای چنانیم البته ایشان از ایضی کفار و مشرکین و
مناقصین را عذاب پست تر پیش از عذاب بزرگ و این آیه مبارکه را جمع قبیور
بار عذاب قبر و عذاب عالم بر رخ نموده اند ولیکن هم غفیری از اخبار آمده است
علیهم سلام الله الملك الغفار و ارد شده است که مراد از عذاب ادنی عذاب
دنیا می ایشان است در زمان رحیم او عذاب که عبارت از عذاب آخرت است
و بیار از منافقین و مشرکین در دنیا بحال التذوات و نعمات و نعمات و فراغت
و فراغت و غرت و دولت و شوکت و صحت بدن و حصول مقاصد و مطالب
و نیار در دنیا زندگانی نمودند و فقر و فاقه و ذلت و غم و هم و آلم و سقم و حسرت و
تنگدستی و معطلی و سرگردانی و وجع و ابتلائات بانواع مرارات نشند تا مرادند
حتی بقدر یک ساعت سرد درند پس در دنیا عذاب دنیا چنانچه خداوند عالم
و من اعرض عن ذکرته فان لم یعتبه فنیما کسی که روگردان شود از ذکر من
پس بدرستی که از برای او عذاب معیشت و زندگانی تنگ و تلخ و بد و معیشت ضنک

از ارباب عارفان و شیخان عظامه
که در بیان فضیلت او شرح
داشته اند و در این مختصر
از کتب معتبره در بیان فضیلت
حضرت زین العابدین
چهارم
از کتب معتبره در بیان فضیلت
حضرت زین العابدین
چهارم
از کتب معتبره در بیان فضیلت
حضرت زین العابدین
چهارم

این سخن از طرف خداوند است که در این دنیا با شما معامله کرده است و در آخرت با شما حساب خواهد کرد و این دنیا را به شما وام داده است و در آخرت با شما حساب خواهد کرد و این دنیا را به شما وام داده است و در آخرت با شما حساب خواهد کرد

و تنگ و بدی از برای بسیاری از کفار و مشرکین و منافقین و قاصدین فاجعه
و ظالمین در دنیا حاصل نشد ابد پس باید زمانی ایشان رجوع بدینا نمایند تا آنکه
معیشت تنگ از برای ایشان حاصل شود زیرا که اعراض از ذکر خدا بتعالی برتر
از کفر و شرک نباشد با وجود اینکه ابداتش معیشت زندگیاست و نیاست نه آخر
پس مراد از زمان رجعت است چنانچه حضرت صادق آل محمد صلی الله علیه و آله
و سلم فرمود قسم بخدا که مراد از ذکر خدا بتعالی در این آیه مبارکه میفرماید امیر المؤمنین
علی ابن ابیطالب میباشد که ناصبین از او روگردان شده اند را وی عرض کرد خدا
تو شوم پس چگونه این ناصبین در زندگانی ضنک و تلخ تنگ میباشد و حال آنکه می
ببینم در کمال نعمت و فراغت و رفاهیت و شوکت و عزت زندگانی می کنند
با کمال صحت و امنیت آن حضرت فرمود بلی معیشت ضنک ایشان در زمان
رجعت آل محمد خواهد بود که خوراک ایشان منحصراً عذرات یابسات ذقاق طاهر
خواهد شد یعنی نجاسات خشک میان کوهها و آتشفشان خداوند عالیا میفرماید
ثم ردوناکم الکره علیهم و امددناکم باموال و جعلناکم اکثر قریبنا من ما یرکبوا نیدیم از
برای شما دفعه دیگر را ایشان و مدد مینمایم ما شمارا باموال و کردانیدیم شمارا اکثر
نقرو این آیه را تفسیر نموده اند بغالب شدن مسلمانان بر کفار بعد از آنکه مغلوب
از ایشان شدند که خداوند فرمود شمارا بر میگردانیم که مسلط بر ایشان شوید یا آنکه
جماعت شما و اموال شما بیشتر از ایشان باشد و بنا بر این تفسیر باید تخصیص داد و گفتا

این سخن از طرف خداوند است که در این دنیا با شما معامله کرده است و در آخرت با شما حساب خواهد کرد و این دنیا را به شما وام داده است و در آخرت با شما حساب خواهد کرد و این دنیا را به شما وام داده است و در آخرت با شما حساب خواهد کرد

این سخن از طرف خداوند است که در این دنیا با شما معامله کرده است و در آخرت با شما حساب خواهد کرد و این دنیا را به شما وام داده است و در آخرت با شما حساب خواهد کرد و این دنیا را به شما وام داده است و در آخرت با شما حساب خواهد کرد

بعض کفار و این خلاف اصل است زیرا که اصل عدم تخصیص است یا باید او را حل بزبان
رجعت نمایم که بگوئیم زمانی باید بیاید که مؤمنین غالب بر همه کفار شوند و جمعیت اهل
واقع ایشان بیشتر از ایشان لهذا بلفظ کراهت فرمود چون او البته واقع شده است و
لفظ صیغه ماضی بیان فرموده است که از کثرت مبالغه وقوع کویا واقع شده است
مثل اذا وقعت الواقعة در باره قیامت نازل شده است و از این اظهار
در تفسیر و دلیل این آیه رجعت وارد شده است بلکه در بعضی تزیل او و اما اخبار و قضا
ادعیه ماثوره و زیارات مرویه از اهل بیت عصمت و طهارت بسیارند که بحد قوت
معنوی قطعا رسیده اند علاوه بر اینکه ضروری ندرت اثنی عشریه است و خطبه
اخبار مکاره متطافه بالغه بعد الاستفاضه القطعیه و شیاع و ذیاع رسیده است
که رجعت از برای آل محمد خواهد بود بلکه از برای مؤمنین خالصین و کافرین باخیز
خواهد بود و آنها بسیارند و منتهی خطبه مبارکه منسوب بامیر المؤمنین علیه السلام
است که میفرماید ان فی فی الارض کرة بعد کرة و دحوة بعد دحوة و عودة بعد
عودة و رجعة بعد رجعة حدیثا کانت قدینا یعنی بدرستی که از برای من در زمین
مکرر آمدنی است بعد از مکرر آمدنی از برای من خواندنی است مردم را حتی بعد از
خواندنی و از برای من عود نمودن بدنیاد رجعت نمودن با دست بعد از عود و رجعت
نمودنی تازه چنانچه من قدیم چنین بودم که مکرر کرده میکردم و مکرر عودت میکردم و
عود بدنیاد رجعت میکردم پس معلوم شود که از برای امیر المؤمنین علیه السلام

بعض کفار و این خلاف اصل است زیرا که اصل عدم تخصیص است یا باید او را حل بزبان
رجعت نمایم که بگوئیم زمانی باید بیاید که مؤمنین غالب بر همه کفار شوند و جمعیت اهل
واقع ایشان بیشتر از ایشان لهذا بلفظ کراهت فرمود چون او البته واقع شده است و
لفظ صیغه ماضی بیان فرموده است که از کثرت مبالغه وقوع کویا واقع شده است
مثل اذا وقعت الواقعة در باره قیامت نازل شده است و از این اظهار
در تفسیر و دلیل این آیه رجعت وارد شده است بلکه در بعضی تزیل او و اما اخبار و قضا
ادعیه ماثوره و زیارات مرویه از اهل بیت عصمت و طهارت بسیارند که بحد قوت
معنوی قطعا رسیده اند علاوه بر اینکه ضروری ندرت اثنی عشریه است و خطبه
اخبار مکاره متطافه بالغه بعد الاستفاضه القطعیه و شیاع و ذیاع رسیده است
که رجعت از برای آل محمد خواهد بود بلکه از برای مؤمنین خالصین و کافرین باخیز
خواهد بود و آنها بسیارند و منتهی خطبه مبارکه منسوب بامیر المؤمنین علیه السلام
است که میفرماید ان فی فی الارض کرة بعد کرة و دحوة بعد دحوة و عودة بعد
عودة و رجعة بعد رجعة حدیثا کانت قدینا یعنی بدرستی که از برای من در زمین
مکرر آمدنی است بعد از مکرر آمدنی از برای من خواندنی است مردم را حتی بعد از
خواندنی و از برای من عود نمودن بدنیاد رجعت نمودن با دست بعد از عود و رجعت
نمودنی تازه چنانچه من قدیم چنین بودم که مکرر کرده میکردم و مکرر عودت میکردم و
عود بدنیاد رجعت میکردم پس معلوم شود که از برای امیر المؤمنین علیه السلام

بعض کفار و این خلاف اصل است زیرا که اصل عدم تخصیص است یا باید او را حل بزبان
رجعت نمایم که بگوئیم زمانی باید بیاید که مؤمنین غالب بر همه کفار شوند و جمعیت اهل
واقع ایشان بیشتر از ایشان لهذا بلفظ کراهت فرمود چون او البته واقع شده است و
لفظ صیغه ماضی بیان فرموده است که از کثرت مبالغه وقوع کویا واقع شده است
مثل اذا وقعت الواقعة در باره قیامت نازل شده است و از این اظهار
در تفسیر و دلیل این آیه رجعت وارد شده است بلکه در بعضی تزیل او و اما اخبار و قضا
ادعیه ماثوره و زیارات مرویه از اهل بیت عصمت و طهارت بسیارند که بحد قوت
معنوی قطعا رسیده اند علاوه بر اینکه ضروری ندرت اثنی عشریه است و خطبه
اخبار مکاره متطافه بالغه بعد الاستفاضه القطعیه و شیاع و ذیاع رسیده است
که رجعت از برای آل محمد خواهد بود بلکه از برای مؤمنین خالصین و کافرین باخیز
خواهد بود و آنها بسیارند و منتهی خطبه مبارکه منسوب بامیر المؤمنین علیه السلام
است که میفرماید ان فی فی الارض کرة بعد کرة و دحوة بعد دحوة و عودة بعد
عودة و رجعة بعد رجعة حدیثا کانت قدینا یعنی بدرستی که از برای من در زمین
مکرر آمدنی است بعد از مکرر آمدنی از برای من خواندنی است مردم را حتی بعد از
خواندنی و از برای من عود نمودن بدنیاد رجعت نمودن با دست بعد از عود و رجعت
نمودنی تازه چنانچه من قدیم چنین بودم که مکرر کرده میکردم و مکرر عودت میکردم و
عود بدنیاد رجعت میکردم پس معلوم شود که از برای امیر المؤمنین علیه السلام

بعض کفار و این خلاف اصل است زیرا که اصل عدم تخصیص است یا باید او را حل بزبان
رجعت نمایم که بگوئیم زمانی باید بیاید که مؤمنین غالب بر همه کفار شوند و جمعیت اهل
واقع ایشان بیشتر از ایشان لهذا بلفظ کراهت فرمود چون او البته واقع شده است و
لفظ صیغه ماضی بیان فرموده است که از کثرت مبالغه وقوع کویا واقع شده است
مثل اذا وقعت الواقعة در باره قیامت نازل شده است و از این اظهار
در تفسیر و دلیل این آیه رجعت وارد شده است بلکه در بعضی تزیل او و اما اخبار و قضا
ادعیه ماثوره و زیارات مرویه از اهل بیت عصمت و طهارت بسیارند که بحد قوت
معنوی قطعا رسیده اند علاوه بر اینکه ضروری ندرت اثنی عشریه است و خطبه
اخبار مکاره متطافه بالغه بعد الاستفاضه القطعیه و شیاع و ذیاع رسیده است
که رجعت از برای آل محمد خواهد بود بلکه از برای مؤمنین خالصین و کافرین باخیز
خواهد بود و آنها بسیارند و منتهی خطبه مبارکه منسوب بامیر المؤمنین علیه السلام
است که میفرماید ان فی فی الارض کرة بعد کرة و دحوة بعد دحوة و عودة بعد
عودة و رجعة بعد رجعة حدیثا کانت قدینا یعنی بدرستی که از برای من در زمین
مکرر آمدنی است بعد از مکرر آمدنی از برای من خواندنی است مردم را حتی بعد از
خواندنی و از برای من عود نمودن بدنیاد رجعت نمودن با دست بعد از عود و رجعت
نمودنی تازه چنانچه من قدیم چنین بودم که مکرر کرده میکردم و مکرر عودت میکردم و
عود بدنیاد رجعت میکردم پس معلوم شود که از برای امیر المؤمنین علیه السلام

لی فان از آنکه در این کتاب است در دنیا یا بنور شور یا بیدن مشالی مطهر یا بید
بنا بر این که در این کتاب است در دنیا یا بنور شور یا بیدن مشالی مطهر یا بید

در صفت از خاصه چون در دنیا یا بنور شور یا بیدن مشالی مطهر یا بید
بنا بر این که در این کتاب است در دنیا یا بنور شور یا بیدن مشالی مطهر یا بید

و حوات و کرات کرده بوده است در دنیا یا بنور شور یا بیدن مشالی مطهر یا بید
عنصری اطهر چنانچه بجهت نصرت اشیا و او یاء و نجات و در دن اشخاص مبتلا از
ایشان بنور و مشال و شیخ و ولایت و توسل ظهور نموده است و بعد از این هم ظهور
و بروز و رجوع و خود بدنیامی کند بیدن اصلی عنصری شریف و بیدن مشالی لطیف
و بنور انور لطیف چنانچه بعضی از آنها را درین کتاب ذکر میکنیم انشاء الله تعالی
و منبها فقره زیارت جامعه کبیره است که میفرماید مؤمن یا یا لکم مقصد
پر خیرکم عظیم یا امیرکم مرآتیکم و لیکن بعضی مؤمن بر برگردیدن شما هم تصدیق کنند
بر جهت شما یا شتم بد بنا و نظر امر شما یا شتم و انتظار کشنده دولت شما یا شتم
و ایضا میفرماید حتی یحیی الله تعالی و یدیکم و یروکم فی آتایم و یظهرکم بعد
و یتکم فی ارضیه تا آنکه زنده کند خدا تعالی دین خود را بواسطه شما و برگرداند شمارا
در آتایم خود و ظاهر کند شمارا در آتایم عدل خود و تمکین دهد شمارا در زمین خود در
فقره زمان رحمت را آتایم الله نام نهاده است و باز میفرماید و یکم و فی خیرکم
تیکم فی ذلکم و ایضا در فقره دعاء روز سیم شعبان است حضرت
قایم علیه السلام در باره حضرت سید الشهدا امام حسین علیه السلام میفرماید و
معه فی اذبتیه و غیر از اینها از احادیث و آیات و فقرات زیارات و دعوات
و اجماع شیعه بر وقوع رحمت و از آنچه گذشت معلوم میشود که از برای آ
هدی علیهم السلام رحمتی در دنیا عیا شد خصوصا از برای مولانا امیر المؤمنین علیه

جارت زیارت
در بیان احکام
و در بیان احکام
و در بیان احکام

در دنیا یا بنور شور یا بیدن مشالی مطهر یا بید
بنا بر این که در این کتاب است در دنیا یا بنور شور یا بیدن مشالی مطهر یا بید